

# چشم انداز بخش تعاونی در کشورهای در حال توسعه

از: م. س. عنایت

نظریه دولت هند در این باره حاکی است که گسترش نهضت تعاونی در این کشور نه فقط در حکم هدف یک سیاست توسعه است، بلکه مقصود اینست که تعاون در عین حال عنصری باشد تجدید بنا کننده در ساخت اقتصادی و اجتماعی هندوستان که با ارزشهای اجتماعی و اخلاقی مردم هند مطابقت نماید.

در اندونزی نیز نظرات مشابهی در این زمینه ابراز میشود. تبدیل مؤسسات سرمایه داری به واحدهای تعاونی بعنوان هدف سیاست ملی توسعه دولت اندونزی اعلام شده است. ماده ۳۸ قانون اساسی این کشور حاکی است که اقتصاد ملی باید بر پایه اصول تعاونی استوار گردد. بموجب بند اول این ماده: «اقتصاد ملی باید بر مبنای تعاونی سازمان یابد».

کشور دیگری که امروزه نظام اقتصاد تعاونی در آن نقش مهمی ایفا میکند، کشور فیلیپین است. گزارش جمهوری فیلیپین در این زمینه حاکی است که: «سیاست کنگره باید کمک به مردم در جهت تبدیل همه انواع فعالیتها به روش تعاونی، تقویت مبنای استقلال اقتصادی در چهارچوب اصول تعاونی و استفاده از روشهای پیشرفته در زمینه تولید صنعتی، بازاریابی، توزیع اعتبار و اصلاح روشهای تبدیل و سایر فعالیتها، همچنین از بین بردن شرایطی که مانع بالا رفتن سطح زندگی و افزایش رفاه اجتماعی و توسعه اقتصاد ملی است، باشد».

مطالبی که در فوق عنوان گردید بطور وضوح حاکی است که در کشورهای نامبرده ایجاد سازمانهای تعاونی بعنوان هدف سیاست توسعه مورد قبول قرار گرفته است. تحقق یک نظام اقتصادی و اجتماعی تعاونی که کلیه بخشهای اقتصادی و اجتماعی یک جامعه را در بر گیرد، مستلزم آنست که یک سیستم مطلوب ثالث در جوار سیستم اقتصاد بازار باز و روش متمرکز دولتی یا سیستم اقتصاد سوسیالیستی بوجود آید.

در واقع، در کشورهای رو به رشد با شکل های گوناگون نوعی «نظام مختلط» اقتصادی که چیزی بین نظام اقتصاد بازار باز و روش سوسیالیستی متمرکز دولتی است، برخورد می کنیم. دورنمای استقرار نظام تعاون، نوعی شادی و امید در اهالی این ممالک برانگیخته است و هرنوع تغییری که در ساخت اقتصادی و اجتماعی این کشورها پدید آید، بعنوان نوعی پیشرفت در قیاس با سیستم های اقتصادی موجود که عملاً در تاریخ این کشورها با عدم توفیق مواجه بوده اند، تلقی میگردد. روی این

بررسی نقشی که جنبش تعاونی می تواند در توسعه اقتصادی کشورهای رو به رشد - و از جمله کشور ما - به عهده داشته باشد، بدون تکیه بر بررسی های نظری و تعیین جایگاه اجتماعی این جنبش به معنی وسیع کلمه، احتمالاً از عمق چندان بر خوردار نیست و متأسفانه در کشور ما به این جنبه از کار نظری بهای زیادی داده نمی شود. نوشتار حاضر - حداقل در بخش نخست خود - تلاش می کند ضمن اشاره به تبیین ساختاری نهضت تعاونی در کشورهای جهان سوم با آنچه در کشورهای اروپایی و بطور عمده در سده پیشین تجربه شده است، جنبه های متنوعی از نقش بالقوه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بخش تعاونی را در روند توسعه اقتصادی کشورهای رو به رشد ارائه دهد.

\*\*\*

امروزه دولتهای بسیاری از کشورهای در حال رشد سعی میکنند نوعی سیستم اقتصادی - اجتماعی که در آن برای بخش تعاون مقام خاصی در نظر گرفته شده باشد، بوجود آورند. نظام تعاونی در سیستم اقتصادی و اجتماعی این کشورها بعنوان نوعی «شیوه سوم» بین سیستم سرمایه داری غربی و روش دولتی و متمرکز شرقی انتخاب و مورد توجه قرار گرفته است.

هدف از توسعه نهضت تعاونی در بعضی از کشورهای رو به رشد اینست که از این طریق نه تنها به مدرن نمودن شیوه های کهنه اقتصادی پرداخته شود، بلکه بدین وسیله نوعی نظام اقتصادی و اجتماعی آزادتر، عادلانه تر و انسانی تر نیز برقرار گردد.

چنین هدفی بویژه در کشورهای نظیر هندوستان، اندونزی و مصر و در برخی از دیگر کشورهای قاره های آسیا و آفریقا تعقیب میشود و انتظار میرود که نهضت تعاون، ایجاد تحول در ساخت اقتصادی و اجتماعی این ممالک را بصورت تکامل تدریجی عملی سازد. در این صورت، طبیعی است که شرکتهای تعاونی در برنامه های توسعه اقتصادی مقام خاصی کسب خواهند نمود.

نقش جنبش تعاونی در توسعه اقتصادی و اجتماعی، در انتشارات رسمی گویاتر بیان میگردد. از جمله در یکی از گزارشهای منتشره توسط دولت هند چنین عنوان شده است: «در یک اقتصاد برنامه ای، نهضت پیشرفته تعاونی باید بصورت زیربنای محکم بسیاری از رشته های اقتصادی خصوصاً کشاورزی، آبیاری، صنایع کوچک، تبدیل، بازاریابی، توزیع، تدارک، روشنائی روستاها، احداث خانه و تأسیسات روستائی و ایجاد زمینه های مودت در جوامع محلی، تجلی نماید. حتی در صنایع متوسط و بزرگ و در حمل و نقل نیز میتواند یک رشته فعالیتهای شدید تعاونی صورت گیرد».

اصل، سیاستمداران کشورهای رو به رشد اغلب اعتقاد راسخ دارند که استقرار یک نظام اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر اصول برابری و عدالت بنحوی که در نظام تعاونی معمول است، تصورات و تمایلات اهالی این ممالک و آرمان های قلبی آنان مطابقت خواهد داشت.

گرچه شرکتهای تعاونی از آنچنان امکانات برخوردارند که میتوانند نیروی محرکه لازم برای رشد اقتصادی ممالک رو به رشد تلقین نمایند، با اینحال، امکانات شرکتهای تعاونی نمیتوان نامحدود تصور کرد. وجود تشکیلات تعاونی از لحاظ اقتصادی برای توسعه اقتصاد روستائی ممالک توسعه نیافته اجتناب ناپذیر است لکن مؤسسات تعاونی قادر نیستند نقش مشابهی در توسعه آندسته از بخشهای اقتصادی که در زیربنائی داشته و رشد اقتصاد ملی تا حد زیادی توسعه این بخشها بستگی دارد، ایفا نمایند. جمله این بخشها بخش صنعتی است که افزایش سریع تولید ملی منوط به توسعه و رونق این بخش است.

در مقابل، اهمیت شرکتهای تعاونی بعنوان ابزار سیاست توسعه بیشتر به آن دسته از فعالیتهای اقتصادی مربوط میشود که کمتر با خیز بزرگ برای پیشرفت در تماسند و کشاورزی از جمله این بخشهای اقتصادی است.

شرکتهای تعاونی میتوانند بدو زمینه های مساعد اقتصادی را در روستاها فراهم کنند. سپس امکانات اقتصادی محلی را برای پیشرفت تقویت توسعه اقتصادی بکار اندازند. به بیروی همین نظریه است که مقامات برنامه ریزان هندوستان مایلند توسعه بخش روستائی ابتداء طریق شرکتهای تعاونی صورت گیرد.

باین ترتیب شرکتهای تعاونی برای اقتصاد روستائی بعنوان اولین گام در جهت افزایش سطح تولید، اصلاح مداوم تکنولوژی و اشتغال هر چه بیشتر افراد تجلی خواهند نمود تا از طریق این اقدامات نیازمندیهای اولیه فرد فرد اعضای جامعه تامین و تضمین شود.

شرکتهای تعاونی برای رونق بعضی از بخشهای اقتصاد ملی در کشورهای رو به رشد اهمیت حیاتی دارند، لکن انتظار «نیروی سرآید» از شرکتهای تعاونی، چنانچه در برخی از ممالک در حال توسعه تصور میشود، انتظاری واهی و بیهوده است. تصویری این چنین از نیروی «معجزه آسای» تعاون غالباً از آنجا ناشی میشود که برای اهالی این ممالک امکانات و مخصوصاً حدود توانائی و کارائی شرکتهای تعاونی روشن نیست.

**وظایف اساسی شرکتهای تعاونی  
در ممالک در حال رشد**

اگر در گذشته و در جوامع سنتی، روح همکاری و همیاری، اساس همکاریهای جمعی و اصولاً به کمکهای متقابل را تشکیل میداد، امروزه تلاشهایی که برای ایجاد تعاونیهای مدرن و پیشرفته صورت میگردد، دارای علل و جهات گوناگونی است که از جمله میتوان از افکار نوع دوستی، اصلاحات اجتماعی و اعتقادات مذهبی، یعنی بطور کلی همه اندیشه های که بانی روحی جوامع جویای تحول را تحت تاثیر و نفوذ خویش قرار داده، نام برد.

در این زمینه لازم است یادآوری شود که در

طول زمان و با تغییرات حاصله در سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی، شرکتهای تعاونی در کشورهای سرمایه‌داری بشیوه‌های متفاوت با کشورهای سوسیالیستی تکامل یافتند. تفاوت‌های موجود در شکل‌های مختلف تشکیلات تعاونی در این اواخر شدیدتر گردیده و نظراتی که اصولاً درباره تعاون ابراز میشود، به مراتب متنوع‌تر شده است.

در کشورهای رو به رشد نیز همانند جوامع صنعتی، در گذشته روح همکاری و همیاری اساس افکار و اندیشه‌های تعاونی و مالا ایجاد انواع سازمانهای همکاری جمعی و گروهی را تشکیل میداده است. با اینحال، جنبش تعاونی مدرن و مبانی فکری آن باید کاملاً بطریقی دیگر مورد بررسی و قضاوت قرار گیرد.

در کشورهای صنعتی، ایجاد شکل‌های جدید شرکتهای تعاونی، واکنشی بود در مقابل نیروهای سرمایه‌دار و تعاون در این کشورها از همان اصول و تدابیر آزادی خواهانه حاکم بر جوامع صنعتی برای گسترش و توسعه خود استفاده نمود. در حالیکه مبتکر ایجاد شکل‌های جدید تشکیلات تعاونی در ممالک رو به رشد، دولت بود بدون آنکه زمینه‌های مساعد برای ایجاد اینگونه تشکیلات مدرن همانند کشورهای پیشرفته صنعتی نیز فراهم شده باشد.

بنابراین سازمانهای مدرن تعاونی در کشورهای رو به رشد را باید بعنوان روشی مقتبس از کشورهای پیشرفته صنعتی تلقی نمود که البته در ماورای آن ارزشهای فکری و محتوای اجتماعی خاص ممالک رو به رشد نهفته است. بهمین جهت این سؤال مطرح میشود که آیا جنبش تعاونی مدرن حقیقتاً برای ممالک در حال توسعه مناسب است و آیا اینگونه تعاونیها قادرند در کشورهای رو به رشد به حیات خود ادامه دهند؟

پاسخ اینست که واکنش دفاعی تعاونیهای مدرن در اروپا متوجه سیستم اقتصادی و اجتماعی موجود در این قاره بود، یعنی سیستمی که جدائی بین سرمایه و نیروهای مولد را باعث گردیده بود و از آنجائیکه شرکتهای تعاونی اروپا در چنین شرایطی با عرصه وجود گذاشتند، لذا خود را با این سیستم متناسب ساخته و در اثر نفوذ در آن توانستند به موفقیت‌های چشمگیری نائل گردند. اما برعکس، در شرایط سنتی تولید در کشورهای رو به رشد، این وضع بشکلی دیگر تجلی نمود. یعنی تعاون در این کشورها مجبور شد خود را با شرایط نامطلوب تولید هماهنگ سازد و بعبارت دیگر وسیله‌ای شود برای از بین بردن شرایط نامطلوب مادی موجود در این کشورها.

نتیجه آنکه شرکتهای تعاونی مدرنی که در مرحله‌ای خاص از تاریخ اروپا و با توجه به شرایط موجود در این قاره با عرصه وجود گذارده بودند، با تغییر مکان از اروپا به کشورهای رو به رشد، چنانچه وظایف و فعالیت‌های آنها با شرایط و اوضاع و احوال موجود در این کشورها منطبق نمیگردید، بندرت قادر بودند به همان نتایج و اثرات حاصله در قاره اروپا نائل گردند و بدیهی است که این امر، هم در مورد انتقال شکل‌های پیشرفته و تکامل یافته شرکتهای تعاونی از ممالک سرمایه‌داری، و هم از کشورهای سوسیالیستی به ممالک رو به رشد مصداق خواهد داشت.

جالب است یادآوری شود که با بررسی دقیق‌تر پیرامون وضع تعاون در کشورهای رو به رشد،

ملاحظه خواهد شد که در موارد بسیار نحوه فعالیت تشکیلات مدرن تعاونی در این کشورها با تعاونیهای که در کشورهای صنعتی فعالیت دارند متفاوت است.

تعاون در ممالک صنعتی، بیشتر در خدمت مقاصد اقتصادی است. در صورتیکه شرکتهای تعاونی در کشورهای رو به رشد ملزم به اعمال وظایف متعددی بوده که بیش از همه میتوان از وظایف آموزشی و سیاسی تعاونیها در این ممالک نام برد. حتی نیل به مقاصد اقتصادی نیز تنها از طریق همکاری و اثر متقابل فعالیت‌ها و وظایف تربیتی و سیاسی امکان پذیر میشود و بعبارت دیگر، فقط معاضدت بین وظایف و هدفهای سیاسی تربیتی است که قادر است شرایط مطلوب فعالیت شرکتهای تعاونی را در این ممالک فراهم آورد.

بهمین جهت است که شرکتهای تعاونی ممالک رو به رشد را نمیتوان تنها بعنوان موسسات خالص اقتصادی بحساب آورد بلکه بیشتر در حکم موسساتی هستند که تحقق مقاصد متعدد بعهدہ آنها واگذار گردیده و علت آن نیز اینست که شرکتهای تعاونی در این ممالک علاوه بر اعمال وظایف اقتصادی، دارای اهمیت ویژه‌ای برای فعل و انفعالات اجتماعی و سیاسی بوده و حتی اگر اعمال وظایف اجتماعی و سیاسی در حکم مقاصد اولیه آنها نباشد، باز هم ملزم به انجام آن خواهند بود.

بدین لحاظ در اینجا شرح وظایف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تعاونیها در ممالک در حال رشد را بطور جداگانه مورد بررسی قرار میدهیم:

### وظایف سیاسی

اهمیت سیاسی خاص شرکتهای تعاونی در ممالک رو به رشد بیشتر از آن جهت است که اکثر اینگونه ممالک بعد از جنگ جهانی دوم به کسب استقلال سیاسی نائل گردیده‌اند و گرچه بسیاری از ممالک مزبور ظاهراً از یک سیستم سیاسی دمکراتیک تبعیت مینمایند، لکن به لحاظ ساخت اجتماعی خاص و پیروی از سیستم پدرسالاری، عملاً در شرایطی نیستند تا به طور مستمر قادر به حفظ قابلیت و کارائی سیستم دمکراسی در ممالک خود باشند.

تجربه نشان داده است که نظام حکومتی دمکراسی مقتبس از شیوه‌های حکومتی غربی در ممالک تازه استقلال یافته در حال رشد، به لحاظ فقدان شرایط کافی و فراهم نبودن زمینه‌های لازم غالباً بصورتی کوتاه مدت به حیات خود ادامه میدهد و سپس جای خود را به جنبش‌های رادیکال داده و این حکومت‌های رادیکال هستند که قادرند در چنین شرایطی جریانات سیاسی را از بالا و بطرز مستبدانه کنترل نمایند. بهمین جهت است که غالباً سیستم‌های حکومتی استبدادی بصورت دیکتاتورهای نظامی یا حکومت‌های یک حزبی در صحنه سیاسی ممالک رو به رشد ظاهر میشوند.

اهمیت تعاون برای حیات سیاسی کشورهای در حال رشد تنها در این است که شرکتهای تعاونی از طریق اصول و افکار خود شرایطی بوجود می‌آورند که اهالی این ممالک بتدریج و بطرز سیستماتیک جهت اداره رهبری سیاسی و ایجاد حس مسئولیت تربیت شوند. بدین سان شرکتهای تعاونی زمینه‌های لازم را جهت شکل دادن به نوعی حکومت دمکراسی مهیا میسازند و طبیعی

است که جنبش تعاونی قادر است برای نیل به مقاصد اساسی دولت در زمینه آزادی و عدالت، بهتر از هر جنبش دیگری عمل نماید. زیرا تعاون آزادی فردی را با تمایل به زندگی جمعی، ضمن تأمین حقوق مساوی برای افراد، درهم آمیخته و هم آهنگی لازم را در این زمینه بوجود می‌آورد.

بحث درباره اینکه در ممالک رو به رشد، سیستم حکومتی دمکراسی یا سیستم استبدادی، کدامیک برای رهبری سیاسی اینگونه کشورها مناسب است، موجب اطاله کلام میگردد، ولی در اینجا بیان این نکته حائز اهمیت است که ممکن است با تربیت و آموزش سیاسی توده مردم در ممالک در حال توسعه به اهالی این امکان داده شود تا خود را سا راجع به شکل رهبری سیاسی کشورشان تفکر و داوری نمایند و متناسب با آن نیز عمل کنند. اجرای چنین برنامه آموزشی و روشن نمودن ذهن عموم مردم هنگامی متضمن موفقیت است که برای کلیه طبقات مردم، مفهوم و محتوای تصمیمات سیاسی قابل درک و فهم گردد. هیچ دستگاه یا سازمان دیگری قادر نیست مانند شرکتهای تعاونی وظیفه تربیت مردم و روشن نمودن ذهن عموم را در ممالک رو به رشد عهده دار شود، زیرا تعاونیها میتوانند از طریق اصل «نظارت آزاد» که از مبانی اساسی اداره امور تعاونیهاست قدرت تصمیم‌گیری را در آنان تقویت نمایند. و این البته در صورتی است که شرکتهای تعاونی مؤسساتی آزاد بوده و تنها در حکم عوامل و سازمانهای وابسته بدولت نباشند.

جنبش تعاونی با نظام دمکراسی مسیر واحدی را طی میکند. این همبستگی و هم‌مسیری مبتنی بر تشابه و ارتباط نزدیک بین اصول تعاونی و اصول دمکراسی است که هر دو برهمبستگی و اتفاق در تمایلات، احساس و اعمال متکی بوده و براساس احساس مسئولیت استوار میباشند. بنابراین اندیشه تعاونی از جمله اندیشه‌هایی است که پایه گذار حکومت دمکراسی بوده و بعبارت دیگر سرچشمه و منشأ استقرار نظام تعاونی با نظام دمکراسی یکی است. توجه به این واقعیت موجب شده است که امروزه در برخی از ممالک رو به رشد سعی شود تا از طریق پیشبرد و تقویت نهضت تعاونی، بلوغ سیاسی اهالی تحقق یابد و وقایع سیاسی این کشورها را تحت تأثیر خویش قرار دهد. در این زمینه لازم است به اهمیت تعاونیها در استقرار نظام سیاسی و در چهار چوب سیستم اقتصادی یا سیاسی موجود نیز اشاره‌ای بشود. شرکتهای تعاونی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری، عملاً وضع خود را با شرایط و اوضاع و احوال موجود در این ممالک سازگار نمودند. با این حال تعاون در این کشورها وظیفه ایجاد تعادل بین نیروهای مختلف را عهده دار گردید و یا اینکه تمایل به ایجاد تعادل بین نیروها را تشدید نمود. اما شرکتهای تعاونی همیشه بصورت تشکیلاتی آزاد که تنها در برخی از بخشهای اقتصادی حق حیات و امکان توسعه و پیشرفت داشتند، باقی ماندند و لذا در موقعیتی نبودند تا از لحاظ استقرار نظام سیاسی، نیروی شکل دهنده‌ای از خود نشان دهند.

تعاون در ممالک بلوک شرق نیز وضعی مشابه دارد، یعنی شرکتهای تعاونی در اینجا هم بهیچوجه در حکم بنیان‌های نیروی شکل دهنده به نظام اجتماعی این ممالک نبوده و فقط مؤسسات یا عواملی هستند جهت اجرای سیاست دولت، زیرا ایدئولوژی کمونیستی همراه با اصول آمرانه آن هیچگونه

قلمرو آزاد جهت فعالیت باقی نمی گذارد و تجمع اجباری انسانها در واحدهای اشتراکی تعاونی هر نوع همبستگی آزادانه اعضا را در شرکتهای تعاونی از میان برمیدارد. بهمین جهت است که در سیستم های متمرکز اقتصادی، یعنی در نظامهای کاملاً سوسیالیستی، شرکتهای تعاونی، ماهیت اصلی خود را از دست میدهند.

آنچه در هردو گروه از ممالک یاد شده یا در هر دو نظامهای سیاسی مزبور مشترک است، اینست که شرکتهای تعاونی، لااقل تا بحال، در حکم عوامل استقرار نظم در مجموعه نظام اقتصادی این ممالک نبوده اند.

ولی اهمیت سیاسی شرکتهای تعاونی در ممالک رو به رشد و نقش آنها بعنوان عامل نظم دهنده، در صورتیکه منظور از شرکتهای تعاونی فقط شکل های خاصی از موسسات اقتصادی نبوده و در جنبش تعاونی نوعی شیوه زندگی جستجو شود، باید بصورتی دیگر مورد قضاوت و داوری قرار گیرد. به این ترتیب و با برداشتی اینچنین از تعاون، شرکتهای تعاونی بصورتی روزافزون دارای خصوصیات یک دستگاه نظم دهنده سیاسی خواهند شد، بویژه اگر دولت بنا به دلائل ایدئولوژیکی خاص متمایل به انتخاب نوعی «راه سوم» باشد.

نهضت تعاونی موجب برقراری اتحاد و اتفاق بین روحیه محافظه کاری که طرز فکر و منش سنتی و جمعی غالب اهالی ممالک رو به رشد است و عوامل و وسائل پیشرفته اقتصادی میگردد و با دارا بودن چنین خصوصیتی تعاون، نه فقط در مسائل اقتصادی ممالک رو به رشد، بلکه در شکل دادن به یک نظام جدید سیاسی و اقتصادی این ممالک نیز موثر خواهد بود.

### وظایف اجتماعی

در مباحثات نظری، غالباً تأکید بر ویژگی اقتصادی شرکتهای تعاونی است و به خصوصیات اجتماعی تشکیلات تعاونی اهمیتی ثانوی داده میشود. بدون شك، شرکتهای تعاونی در ممالک رو به رشد دارای وظایف اقتصادی متعددی هستند، لکن به دلیل اهمیتی که در تعاون به شخصیت فرد داده میشود و بویژه بعلمت قابلیت این شرکتهای که قادرند هم در اقتصاد و اجتماع مدرن و امروزی و هم در اقتصاد و اجتماع سنتی ممالک رو به رشد رسوخ نمایند، از موقعیت اجتماعی خاصی نیز برخوردارند.

در توصیف این موضوع، باید ابتدا به نقش تعاون در غلبه بر اثرات ناشی از گسستگی پیوندهای اجتماعی جوامع رو به رشد اشاره نمود. رسوخ شیوه های اقتصادی جدید سرمایه داری و نظرات و افکار ناشی از آن موجب میگردد که نوعی از هم پاشیدگی اجتماعی در مبنای همبستگی سنتی و در زندگی جمعی جوامع روستائی ممالک رو به رشد، بدون اینکه این جوامع قادر به بهره گیری و استفاده از روشهای جدید اقتصادی و رعایت اصول سودآوری واحدهای تولیدی در سیاست توسعه اقتصادی خود باشند، بوجود آید.

از هم پاشیدگی پیوندهای اجتماعی مخصوصاً هنگامی منجر به بروز عواقبی وخیم میگردد که افراد زندگی جمعی و در عین حال محدود و بسته روستائی رازها ساخته و بدنبال کسب و کار راهی شهرها شوند، بدون اینکه در شهرها امکانات

شغلی مستمر و دائمی برای آنها فراهم شده باشد. بدین سان در شهرها محله های فقیرنشین بوجود میاید که در آن افراد ارزشهای کهن و سنتی مورد قبول خود را از دست داده و پیوندهای اجتماعی آنها ریشه کن میشود. از هم گسیختگی نهادهای اجتماعی بدو بطور پنهانی و سپس آشکارا، موجب پیدایش تضادهای اجتماعی شده و منشاء نارخزانی های سیاسی و اجتماعی قرار میگیرد.

بدیهی است شرکتهای تعاونی بطور کامل قادر به رفع عواقب ناشی از گسستگی پیوندهای اجتماعی نبوده و تنهایی توانند از طریق همکاری با سازمانهای دولتی و در چهارچوب برنامه های توسعه و توسازی روستاها موجباتی فراهم کنند تا از اضمحلال و هم پاشیدگی این پیوندها جلوگیری بعمل آید. تحقق این هدف مخصوصاً از طریق تقویت افکار و اندیشه های خودیاری در اهالی و بهبودی که باین ترتیب در وضع اقتصادی و اجتماعی روستاها پدید می آید میسر است. علاوه بر آن، شرکتهای تعاونی در انجمن موقعیتی هستند که می توانند طرز فکر سنتی و در نتیجه رسوم و عادات قدیمی و ضد توسعه ای اهالی را از طریق دادن آموزش و اقدامات تربیتی، در جهتی مثبت و سازنده تحت تاثیر قرار دهند.

بدین ترتیب، تعاون بنحوی مناسب و مطلوب به پلی مبدل میشود که انسانها از این طریق بدون آنکه آزادی واقعی خود را از دست دهند، از دنیای کهن و قدیمی به دنیای جدید و پیشرفته گام می نهند.

شرکتهای تعاونی قادرند در شهرها نیز از گسستگی و از هم پاشیدگی نهادهای اجتماعی که در این مناطق شدیدتر از روستاها بروز میکند، ممانعت بعمل آورند. حتی در مراکز کاری و در محیط های که منشاء بروز اختلافات و منازعات اجتماعی است نیز برای شرکتهای تعاونی تا حد قابل توجهی میسر است تا از این اختلافات بکاهد و علت آن نیز ماهیت شرکتهای تعاونی است که در واقع هم تشکیلاتی هستند کاری و هم در عین حال کارفرمائی.

نکته مهم دیگر اینکه مبنای اقتصادی اهالی روستاها را علاوه بر کشاورزی، برخی حرفه ها و

### □ از جنبه اقتصادی، وجود

تشکیلات تعاونی جهت توسعه اقتصاد روستایی کشورهای توسعه نیافته اجتناب ناپذیر است ولی موسسات تعاونی قادر نیستند نقش مشابهی در توسعه بخشهای زیربنایی داشته باشند.

### □ تعاون، کشورهای

صنعتی بیشتر، رخدمت اهداف اقتصادی است. در صورتیکه شرکتهای تعاونی در کشورهای رو به رشد وظایفی بیشتر سیاسی و آموزشی به عهده دارند.

مشاغل سنتی نیز تشکیل میدهد. با ورود کالاهای صنعتی از خارج، این مبنای مضمحل گشته و از بین خواهد رفت. همچنین ایجاد تاسیسات صنعتی در شهرها موجب از هم پاشیدگی و از بین رفتن طرز فکر و منش سنتی اهالی میشود.

البته اشتباه است اگر به این لحاظ در فعل و انفعالات صنعتی، و بمنظور حفظ شیوه های سنتی، محدودیت هایی بوجود آید. بعبارت دیگر، مفهوم اعمال چنین سیاستی لااقل اصرار در ادامه وضع موجود یا حتی عقب ماندن و برگشت به گذشته خواهد بود.

بعلاوه، سیستم اداره روستاها در ممالک رو به رشد بسیار کهنه و قدیمی است و این سیستم برای ایجاد تحرک و اجرای برنامه های توسعه و عمران روستاها، عملاً غیر قابل استفاده است.

در مناطق روستائی سطح دانش افراد بسیار پائین است و از طرفی اختلافات اجتماعی بسیار شدید بوده و بسیاری از افراد آینده روشنی ندارند و مجبورند همیشه در حداقل شرایط زندگی به حیات خود ادامه دهند. بنابراین تا زمانیکه در روستاها از طریق ایجاد مراکز آموزشی و مؤسسات اجتماعی شرایط متناسب و مطلوب برای توسعه این مناطق فراهم نشود، بسختی میتوان از میزان فقر موجود کاست.

مهاجرت اهالی روستاها به شهرها، برخورد ها و تضادهائی را بین رسوم و عادات و اصولاً طرز فکر سنتی با شرایط و تمایلات دنیای صنعتی، موجب میشود. تغییر شرایط محیط زیست مالا منجر به پیدایش مشکلات خاص که در اثر تغییر شرایط اجتماعی محیط بوجود میآیند، نیز میگردد.

از طریق ایجاد مؤسسات و سازمانهایی که بتوانند ارزشهای سنتی را با ارزشهای تازه اقتصادی و اجتماعی بنحوی مطلوب تلفیق نمایند، میتوان بطرزی ساده مردم را با شرایط جدید هماهنگ ساخت. برای تحقق این مقصود، شرکتهای تعاونی یعنی تشکیلاتی که قادر است حس همکاری جمعی و آمادگی برای کمک های متقابل را که روستائیان با خود به ارفغان آورده اند، با روحیه جدید فردگرایی شهرنشینی تلفیق نماید، بسیار مناسب میباشد.

شرکتهای تعاونی اغلب در موقعیتی هستند که میتوانند عناصر سد کننده توسعه اقتصادی را که در نظامهای کهن اجتماعی ممالک رو به رشد وجود دارند از سر راه بردارند و این عناصر را به نیروهای محرک جهت پیشبرد و تقویت برنامه های توسعه اقتصادی مبدل سازند.

دولت در زمینه آزادی و عدالت، بهتر از هر حرکت دیگری عمل نماید.



مکانیزه کردن تولید از خارج خریداری و وارد شود، ضرورت می‌یابد.

آنچه از لحاظ اقتصادی تا حد زیادی مطلوب و پسندیده است، آنست که برای آندسته از نیروهای که در بخش کشاورزی، اعم از شرکتهای تعاونی تولید یا بصورت انفرادی شاغلند لکن بطور فصلی بیکار یا کم کار میشوند، از طریق ایجاد تحرك و رونق در صنایع سنتی روستائی کار اضافی ایجاد شده و بدین وسیله به آنان کمک شود. این امر دارای فوائد بسیار است. از يك سو، تولید ملی در مدتی کوتاه افزایش می‌یابد و از سوی دیگر همزمان با آن از میزان بیکاری کاسته میشود، و از همه مهمتر آنکه روستائیان به موازات اشتغال به امر کشاورزی، به منبع درآمد دیگری نیز دست می‌یابند. بعلاوه، با ایجاد امکانات جدید اشتغال در روستاها از افزایش مهاجرت کشاورزان به شهرها جلوگیری بعمل می‌آید.

صنایع روستائی تنها در حکم مکمل توسعه اقتصاد روستائی نیست، بلکه در عین حال برای خود بخش کشاورزی نیز سودمند است، زیرا قادر است تجهیزات و وسائل و ادوات کار مورد نیاز کشاورزان را نیز تهیه کند. تجمع صنایع کوچک، صنایع دستی و سایر رشته‌های سنتی کار دستی در تشکیلات تعاونی، خصوصا از نظر تامین منابع مالی و مساله با صرفه‌سازی تولید و فروش این صنایع، می‌تواند تحركی جدید در فعالیت این بخش بوجود آورد و بدین وسیله از وجود نیروی انسانی بالقوه‌ای که عاطل و باطل مانده است بهره‌گیری شود.

● ب - افزایش بازدهی نیروی کار  
نقش شرکتهای تعاونی در افزایش بازدهی نیروی کار نیز شایان اهمیت است. تشکیلات تعاونی قادر است در نحوه انجام کار اعضا موثر واقع شود. بدین سان که از طریق دادن آموزشهای لازم یا با استفاده از شیوه مزد بیشتر در برابر کار بیشتر، و یا بالاخره از طریق سایر روشهای تشویقی، شوق کار را در اعضا تقویت نماید. همچنین قادر است از طریق بهبود سازمان و بدون اینکه احساس استثمار یا از بین رفتن ثمره تلاش به کارگران دست دهد، بازدهی کار را در آنان بالا برد. فکر اینکه انسان در موسسه‌ای که کار میکند، ثمره تلاش او متعاقبا به جیب خود وی سرازیر

بالقوه روستاها و دیگر مراکز اقتصادی، برای ایجاد اشتغال بیشتر و افزایش تولید استفاده نمایند و با کمک مردم که بدین سان در شرکتهای تعاونی متشکل گردیده و مستقیما در تصمیم‌گیری و نیز منافع حاصله مشارکت دارند، روستاها را از ساخت ضد توسعه‌ای و فاقد تحرك رهایی بخشند.

در اقتصاد روستائی، صاحبان واحدهای کوچک کشاورزی و صنایع دستی، به لحاظ فقدان وسائل و منابع لازم در موقعیتی نیستند که بتوانند با نیروها و امکانات خود در جهت توسعه و سوددهی بیشتر این واحدها گام بردارند. ولی از طریق مساعی جمعی و اختیاری در شرکتهای تعاونی توأم با حمایت دولت، میتوان به تدارک وسائل و عوامل تولید از قبیل مواد خام، وسائل و ادوات و ماشین‌آلات و ابزار کار با هزینه‌ای کمتر اقدام نمود و به این ترتیب توسعه صنایع کوچک و حرفه‌های مختلف را امکان‌پذیر نمود.

بعضی از ممالک رو به رشد از جمله هندوستان و پاکستان، خیلی زود به جنبه‌های مثبت بالا بردن سطح اشتغال و کسب درآمد از طریق تقویت واحدهای کوچک و متوسط روستائی بشکل تعاونی پی برده‌اند و بهمین جهت در برنامه‌های توسعه اقتصادی برای این بخش از اقتصاد، مقام متناسبی در نظر گرفته‌اند.  
برای ایجاد تحرك و بکار گرفتن نیروی انسانی در ممالک رو به رشد که هم‌اکنون، هم در مناطق روستائی و هم در نقاط شهری بدون استفاده مانده است، لازمست به شرکتهای تعاونی تولید کارگری اهمیتی خاص داده شود. این شرکتهای تعاونی در ممالک در حال توسعه نیروی کار موجود را در یک سازمان متشکل ساخته و از نیروی فعال آنها در ایجاد تاسیسات عمومی و پروژه‌های مختلف تولیدی استفاده کنند.

لازم به تاکید است که حتی پس از تشکیل شرکتهای تعاونی نیز، بدلیل عظیم بودن ذخیره نیروی انسانی در ممالک رو به رشد، ضروری است که در امر افزایش تولید، به آن دسته از روشهایی که موجب ایجاد کار و ازدیاد سطح اشتغال میشود، اهمیت بیشتری داد تا به استفاده از تکنیک و مکانیزه کردن تولید. این امر، بویژه هرگاه لازم باشد تا تجهیزات و ماشین‌آلات مورد نیاز جهت

روشته‌روشهای سودآور اقتصادی را جایگزین روشهای کهنه بنمایند.

از لحاظ اجتماعی، وظایف تربیتی شرکتهای تعاونی از دو جهت حائز اهمیت است: یکی تربیت اعضا بمنظور ایجاد حس مسئولیت در آنان و توانائی عهده‌دار شدن وظایف اداری و رهبری تشکیلات تعاونی، و دیگری آشنا نمودن فرد اعضا با اصول دموکراسی.

## وظایف اقتصادی

هدف سیاست توسعه اقتصادی قبل از همه مکتوف به افزایش تولید ملی است (۱) و بهمین لحاظ لازمست هر نوع اقدامی که در چهارچوب برنامه‌های توسعه اقتصادی بعمل می‌آید، بدوای نبرجه نیل باین هدف باشد. بدین ترتیب محور اصلی هر نوع تحلیلی در این زمینه عبارت خواهد بود از تعیین سهم شرکتهای تعاونی در تولید، یا به بیان دیگر توجه به سهم شرکتهای در رشد اقتصادی.

## وظایف شرکتهای تعاونی از جهت تولید

نوع و حجم تولید در اقتصاد ملی يك جامعه، نه فقط بستگی به فراهم بودن عوامل تولید دارد، بلکه نیز از همه به بسیج این عوامل در جهت مقاصد تولیدی از طریق ایجاد هماهنگی بین آنها نیز مربوط میشود. این که تا چه حد شرکتهای تعاونی قادرند در بسیج عوامل تولید گام بردارند و یا چه اقدامی می‌توانند در زمینه پیشبرد امر تولید بعمل آورند، مطلبی است که در بخشهای زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### الف - ایجاد اشتغال مفید

یکی از علائم مشخصه ممالک رو به رشد آنست که سطح اشتغال در بخش عمده‌ای از جمعیت قادر به کار، بسیار پائین است. بعلاوه، بازدهی کار بعلت پائین بودن سطح دانش و قلت سرمایه‌گذاری سرانه بسیار قلیل است. اما این وضع نباید لزوما منجر به پیدایش این تصور شود که این کشورها فاقد امکاناتی هستند تا نیروی انسانی موجود را بصورتی مولد بکار گمارند و از آن بهره‌گیری کنند.

مساله بیکاری در ممالک رو به رشد تنها به مناطق شهری محدود نمی‌شود، بلکه بمیزان قابل توجهی به سطح دهات نیز گسترش می‌یابد که علت آن در درجه اول بلحاظ جمعیت بالنسبه زیاد این ممالک است که بخش‌های مختلف اقتصادی قادر به جذب آن نیست و از سوی دیگر میزان بیکاری بصورت فصلی نیز افزایش می‌یابد.

بخش عمده‌ای از جمعیت روستاها در ممالک رو به رشد، ظاهرا شاغل می‌باشند، ولی با توجه به احتیاجات واقعی به نیروی کار، زائد بوده و بهمین جهت نیز واژه بیکاری پنهان در مورد این دسته از شاغلین بکار می‌رود.

به رغم تلاشهای نسبتا زیاد برخی از ممالک رو به رشد در جهت تقلیل میزان بیکاری از طریق اجرای برنامه‌های توسعه و عمران اقتصادی، نمیتوان این واقعیت را نادیده گرفت که فاصله موجود از لحاظ نسبت بین جمعیت بیکار و تعداد محللهای کار، بدلیل مساله انفجار جمعیت، مرتبار و به افزایش است.

به این جهت دولتها در پی آنند تا از طریق تشکیل و توسعه شرکتهای تعاونی، از امکانات

میشود، همراه با این احساس که به انسان به نسبت فعالیتها که مینماید دستمزد متناسبی نیز پرداخت میگردد، قادر است از لحاظ روانی انگیزه‌ای در جهت افزایش بازدهی کار ایجاد نماید.

از جمله نقش های شرکتهای تعاونی در زمینه ایجاد تحرك بیشتر در عامل کار، یکی هم در آموزش و تربیت کادر متخصص و ورزیده است. مشکل عمده کشورهای روبه توسعه، یا به بیان دیگر مشکلی که تقریباً در تمامی این ممالک بصورت نوعی بیماری بومی درآمده است، اینست که از عامل کار بندرت استفاده کامل بعمل می آید. اهالی تا حد زیادی فاقد اطلاعات فنی بوده و بعلاوه این کشورها فاقد منابعی هستند تا بتوانند کارگران و اصولاً نیروی انسانی خود را به کشورهای خارج جهت آموزش اعزام دارند یا در داخل مملکت مؤسسات آموزشی لازم را بوجود آورند.

از سوی دیگر، نوع آموزش فنی که در ممالک خارجی به افراد داده میشود، غالباً متناسب با نیازمندیهای ممالک روبه رشد نیست، زیرا این آموزش تحت شرایطی دیگر و در محیطی کاملاً فنی و تخصصی صورت میگیرد و فنون ویژه‌ای که متناسب و مطابق با شرایط و طرز فکرای کشورهای در حال توسعه باشد، آموزش داده نمی‌شود.

بنابراین، از وظایف عمده شرکتهای تعاونی توجه به امر آموزش فنی است، زیرا این شرکتهادر موقعیتی هستند که میتوانند تکنولوژی مدرن تولید را با شرایط اجتماعی موجود در این ممالک، هماهنگ و متناسب سازند.

بدون شك آموزش کادر متخصص نه تنها موجب میشود که از این کار در خدمت شرکتهای تعاونی بهره برداری شود، بلکه آموزش گسترده و همه جانبه افراد و تربیت کادر متخصص و ورزیده می‌تواند خود انگیزه‌ای شود برای جلب نیروی انسانی آموزش ندیده و تربیت نشده به محیط آموزشی تعاونی‌ها جهت بالا بردن اطلاعات فنی.

● ج - تشکیل سرمایه و کاربرد صحیح آن مشکل اصلی و اساسی توسعه ممالک روبه رشد کمبود منابع مالی است. مشکل مزبور را می‌توان به نوعی «دور تسلسل» تشبیه نمود و منظور اینست که کمبود سرمایه، هم علت فقر در ممالک روبه رشد است و هم معلول فقر.

امروزه هیچ تردیدی در این باره وجود ندارد که از نقطه نظر رشد سریعتر و مطلوب‌تر اقتصادی، میزان تشکیل سرمایه در ممالک روبه رشد بسیار قلیل است. دلیل وجود چنین وضعی اینست که درآمد سرمایه واقعی در این ممالک بالنسبه پائین است و از منابع سرمایه موجود نیز استفاده کافی بعمل نمی‌آید. چون حجم پس انداز همیشه به میزان درآمد بستگی دارد و این درآمد نیز در ممالک روبه رشد اغلب در بین توده مردم کمتر از حداقل لازم جهت ادامه حیات است، لذا روشن است که درآمدی جهت پس انداز باقی نخواهد ماند.

پس انداز ناچیز مردم، تنها از عدم توانایی به پس انداز ناشی نمیشود، بلکه به طرز فکر طبقات مختلف مردم نسبت به امر پس انداز نیز بستگی دارد.

نحوه پس انداز در ممالک در حال رشد در مقایسه با کشورهای پیشرفته دارای تفاوت‌های اساسی است، یا لاقبل بصورتی است که در جهت

تولید و ایجاد درآمد اضافی بکار نمی‌رود. در يك اقتصاد روستائی، بزرگ مالكان كه على القاعده در ردیف گروههای پردرآمد بشمار می‌روند، اغلب تمایلی برای بکار انداختن سرمایه‌های خود در امور تولیدی ندارند. این طبقه، یا درآمد اضافی خود را بصورتی سوداگرانه سرمایه گذاری میکنند، یا اینکه بصورت طلا و وسائل زینتی و یا حتی بول نقد نگهداری مینماید. در برخی از ممالک نیز این افراد در لباس وام دهنده ظاهر میشوند. در عین حال، وام‌های اخذ شده وسیله وام‌گیرندگان بمصارف غیرتولیدی یعنی خرید اجناس و مایحتاج زندگی یا بمصارف تشریفاتی میرسد

وامهائی از این قبیل که بندرت موجب افزایش تولید گردیده و فقط سود سرشاری نصیب وام دهنده مینماید، در نهایت باعث ورشکستگی و از بین رفتن وام‌گیرنده که مجبور به پرداخت بهره هنگفتی است میگردد.

در موارد بسیاری تشکیل سرمایه داخلی باین علت با اشکال مواجه میشود که قیمت کالاها دستخوش نوسانات ناشی از تورم میگردد، بطوریکه اغلب تنزل قدرت خرید پول از میزان بهره سالانه آن نیز تجاوز مینماید.

بهمین لحاظ نرخ بهره معمول در بازار اغلب تا حد غیرقابل تصویری بالا می‌رود و این خود دلیل دیگری است که چرا صاحبان درآمدهای قادر به پس انداز، درآمد اضافی خود را در مؤسسات اعتباری یعنی در بانکها پس انداز نمی‌نمایند.

از علل دیگری که موجب عدم پس انداز میشود، آنست که طبقه شهرنشین که قادر به پس انداز است، در اثر عرضه کالاهای جدید و بعلت عادت به شیوه‌های زندگی وارداتی از خارج، روشی را دنبال میکند که بخودی خود تمایل به مصرف را بالا می‌برد. به بیان دیگر تمایل به مصرف یا مصرف‌گرایی اهالی ممالک صنعتی مغرب زمین اغلب مدل و سرمشقی شده است برای اهالی ممالک در حال توسعه.

حال بینیم شرکتهای تعاونی از این لحاظ حائز چه اهمیتی هستند و چه اقداماتی را میتوانند در این زمینه انجام دهند. بطور کلی میتوان از پنج وظیفه

**□ از آنجا که هدف توسعه اقتصادی به طور عمده معطوف به افزایش تولید ملی است، محور اصلی شرنوع تحلیل از نقش اقتصادی تعاونی‌ها، تعیین سهم آنها در تولید است.**

**□ اهمیت تعاون برای حیات سیاسی کشورهای در حال رشد در این است که از طریق اصول خود مردم این کشورها را به تدریج برای اداره و رهبری سیاسی و ایجاد حس مسؤلیت تربیت می‌کند.**

مهم یاد نمود:

اول - شرکتهای تعاونی می‌توانند در مصرف افراد و در نتیجه در میزان پس انداز دخالت نموده و اعضا را در این خصوص راهنما کنند. از طریق آموزش تعاونی و ایجاد زمینه‌ها سالم اقتصادی، شرکتهای تعاونی قادرند از صرف درآمدهای افراد در جهت هزینه‌های مصرفی تشریفاتی تا حدود زیادی جلوگیری نموده و آنرا به پس انداز و ذخیره کردن درآمدهای زائد بر مصرف تشویق و ترغیب نمایند.

دوم - وجوه کنار گذاشته شده را در يك صندوق متمرکز و با انجام عملیات بانکی و اعتباری موجبات سرمایه‌گذاری و بکار انداختن وجوه اعم از سرمایه‌گذاری مستقیم توسط شرکتها بوسیله پرداخت وام به افراد جهت سرمایه‌گذاری مستقل فراهم نمایند.

عدم وجود شبکه وسیع بانکی در ممالک روبه رشد بویژه در روستاها، یکی از دلایل عدم جمع‌آوری و تمرکز وجوه و نتیجتاً سرمایه‌گذاری در این ممالک است. بدین لحاظ شرکتهای تعاونی قادرند این وظیفه مهم را در سطح روستاها و دورافتاده‌ترین نقاط مملکت به عهده بگیرند. بویژه آنکه اصولاً اعتماد افراد به شرکت تعاونی که آن عضویت دارند، بیش از اعتماد آنان به مؤسسات و سازمانهای دیگر بانکی است. دلیل آنهم اینست که افراد واقفند وجوه پس انداز آنان در کجا و به ترتیب سرمایه‌گذاری خواهد شد و این امر، یعنی وجود اعتماد، خود موجب تشویق بیشتر افراد به پس انداز میگردد.

در ممالک درحال رشد امیدواری زیادی وجود دارد تا منابع سرمایه مخصوصاً در مناطق روستایی از طریق شرکتهای تعاونی بسیج شود. بدینوسیله تسهیلات لازم در تأمین اعتبارات موردنیاز اقتصاد روستایی فراهم گردد.

سوم - بواسطه اطلاع کاملی که تعاونیها از موقعیت اقلیمی و اقتصادی حوزه عمل خود دارند، در آنچنان وضعی هستند که می‌توانند عوامل تولید را بنحو مطلوبی با یکدیگر ترکیب نموده و در نتیجه با هماهنگ ساختن نیروها و امکانات موجود حداکثر بهره‌برداری را از سرمایه‌گذاری انجام یافته بدست آورند. این امر خود باعث کاهش هزینه‌های تولید و در نتیجه افزایش درآمد و سود شرکت و بالاخره ذخیره‌های آن گردیده که متعاقباً در رده سرمایه‌گذاری بیشتر و مفیدتر بکار خواهد رفت.

چهارم - شرکتهای تعاونی میتوانند رابطه‌ای سالم بین اعضا و مؤسسات اعتباری موجود در مملکت از لحاظ رفع نیازمندیهای اعتباری اعضا برقرار سازند، بدین معنی که وامهای کوتاه، متوسط یا طویل‌المدت از سازمانهای اعتباری خصوصی یا دولتی اخذ و آنرا برای امور تولیدی در اختیار اعضا قرار دهند.

پنجم - شرکتهای تعاونی میتوانند اعضا را به سرمایه‌گذاری‌های مفید و سودآور تشویق و آنرا

بدهی است شرکتهای تعاونی قادرند تضمین مطمئن تری برای مؤسسات وام دهنده باشند تا اعضا بصورت انفرادی. بعلاوه اهمیت عملیات اعتباری شرکتهای تعاونی مخصوصاً از این جهت قابل توجه است که با پرداخت وام از طرف شرکت، دست وام‌دهندگان خصوصی و بار سنگین بهره‌های طاقت فرسا از طبقه تولیدکننده و خصوصاً کشاورزان جوامع در حال رشد کوتاه خواهند شد.

پنجم - شرکتهای تعاونی میتوانند اعضا را به سرمایه‌گذاری‌های مفید و سودآور تشویق و آنرا

## ❑ شرکتهای تعاونی در اقتصاد روستایی، اولین گام برای افزایش تولید، اصلاح مداوم تکنولوژی و اشتغال هرچه بیشتر افراد محسوب می شوند.



را تدریجاً به استفاده از روشهای جدید تولید وادار سازند.

امروزه حتی در بسیاری از مناطق روستایی ممالک صنعتی نیز لازم است روشهای مدرن از طریق آگاه نمودن سیستماتیک تولیدکنندگان به این روشها و مخصوصاً بوسیله نشان دادن فواید و تکنیکهای جدید بطریق عملی، این روشها در بین کشاورزان ترویج شود و در عین حال طرز فکر محافظه کارانه تولیدکنندگان محصولات کشاورزی تغییر یابد.

شرکتهای تعاونی در ممالک پیشرفته صنعتی به لحاظ موقعیت منحصر بفرد و قلمرو وسیع تحت نفوذ خود توانسته اند بنحو احسن از عهده انجام این مهم برآیند. وظیفه ارشادی و آموزشی شرکتهای تعاونی در ممالک رو به رشد، اگر به مسأله بیسوادی گسترده، بی تفاوتی و بی علاقهگی اهالی و قلت مؤسسات آموزشی که وظیفه تعلیم و تربیت مردم را بعهده دارند، توجه گردد، از اهمیت بیشتری برخوردار میشود.

بهره برداری از فنون جدید تولید نه فقط مستقیماً به بهبود و افزایش تولید میانجامد، بلکه قادر است بطور غیرمستقیم طرز فکر و رفتار ساکنان مناطق کشاورزی را نیز در ممالک رو به رشد شکل دهد. باین ترتیب می توان از طریق ایجاد مزارع نمونه و آزمایشی که در آن فنون جدید کشت بکار بسته میشود، کشاورزان و سایر اهالی را تشویق نمود تا بمنظور نیل به فوائد اقتصادی به عضویت تعاونیها درآیند و وضع خود را با روشهای جدید کشت و زرع و با فنون تازه تولید هماهنگ سازند.

اتخاذ این روش، یعنی ایجاد مزارع نمایشی تعاونی و همبطن کارگاههای نمونه در چهارچوب برنامه های عمومی توسعه، نه تنها برای توسعه و گسترش شرکتهای تعاونی، بلکه اساساً برای نیل به مقاصد همه جانبه و کامل توسعه اقتصادی از اهمیت آموزشی عظیمی برخوردار است.

### ○ زیرنویس

۱- چنین توصیفی از سیاست توسعه اقتصادی نباید چنین تلقی شود که سایر مقاصد دولت از سیاست توسعه اقتصادی از اهمیت کمتری برخوردار است. توسعه اقتصادی پدیده ای است پیچیده که نه تنها مجموعه رویدادهای اقتصادی را شامل می شود، بلکه انواع پدیده های غیر اقتصادی را که دارای اهمیت کمی و کیفی هستند نیز در برمی گیرد.

در این مسیر هدایت نمایند، چه با تماس مستمری که بین اعضا و شرکت تعاونی وجود دارد و با توصیه های نافع که شرکت میتواند به اعضا نماید، جهات منفی سرمایه گذاری اعضا از طرف شرکت به آنان یادآوری کرده و از مواردی که سرمایه گذاری منجر به بازدهی صحیح و منطقی نخواهد شد ممانعت بعمل می آید.

همچنین شرکتهای تعاونی در موقعیتی هستند که میتوانند وظیفه نظارت بر مصارف و امهرا را نیز بعهده گیرند و از این طریق از مصرف بی رویه منابع قلیل سرمایه جلوگیری کنند.

● بهره برداری بهتر از زمین و افزایش تولید در این زمینه تنها شرکتهای تعاونی کشاورزی مورد نظر است. اهمیت شرکتهای تعاونی درخصوص بهره برداری از زمین به امکانات و شرایط کمی و کیفی مربوط میگردد.

امکانات کمی به گسترش سطح کشت و تهیه راضی مزروعی جدید از طریق یکپارچه سازی راضی و ایجاد واحدهای زراعی جدید مربوط میشود. لزوم تهیه اراضی مزروعی جدید در کشورهای درحال رشد هنگامی اهمیت می یابد که انگ رشد جمعیت با میزان افزایش اراضی زیرکشت مقایسه شود.

درخصوص کشت اراضی جدید، اعم از اینکه با کمک دولت مهیا گردیده باشد یا بطریق دیگر، در بسیاری از ممالک رو به رشد، طبقه زراعت مبتنی بر بهره برداری مشترک نتایج مطلوبی ببار آورده است. این نوع زراعت در سال ۱۹۱۱ با شرکت حدود ۱۵۰ هزار نفر که از ترکیه به یونان کوچ داده شده بودند با موفقیت آزمایش گردید.

در هندوستان نیز از طریق اجرای پروژه های آبیاری، اراضی زیرسدها و درحوالی کانالهای آبرسانی بین کشاورزان فاقد زمین تقسیم گردید و برای بهره برداری از این اراضی اقدام به تاسیس شرکتهای تعاونی شد که بنحوی مطلوب به فعالیت اشتغال ورزیدند.

تجارب حاصله از تاسیس این قبیل شرکتهای منظور تهیه و کشت اراضی جدید و نتایجی که در این زمینه بدست آمده، در ممالک مختلف درحال توسعه بسیار متفاوت است. با آنکه تعاونیهای بهره برداری مشترک، در مناطقی که دارای امکانات بیشتری هستند منجر به تهیه اراضی مزروعی جدید گردیده و در کشورهایی که دارای کشاورزان فاقد زمین و نیروی انسانی بلااستفاده میباشند، این قبیل تعاونیها به اهمیتی شایان نائل گردیده اند، لکن در مناطقی که کشاورزان بنابه دلایل سنتی متمایل به حفظ واحدهای اختصاصی و بهره برداری زراعی بصورت انفرادی هستند، استقرار و گسترش اینگونه شرکتهای تعاونی با مشکلاتی مواجه گردیده است.

در مورد اخیر شرکتهای تعاونی ضمن حفظ مالکیت فردی اعضا بر واحدهای مزروعی میتوانند در زمینه کشت و بهره برداری تعاونی از اراضی توفیق بیشتری بدست آورند. مثلاً در جزیره سیسیل کارگران کشاورز با تشریک مساعی یکدیگر اقدام به تهیه اراضی مزروعی جدید کرده و سپس این اراضی را برای بهره برداری به واحدهای زراعی خانوادگی واگذار نمودند.

در ایالت «مدریس» در هندوستان نیز کشاورزان فاقد زمین با یکدیگر متحد گردیده و اقدام بخريد اراضی دولتی نموده اند و متعهد شده اند که قیمت آنرا ظرف مدت ۲۰ سال بپردازند. در ضمن با

کشاورزان مزبور توافق بعمل آمده است تا با راهنمایی و براساس خط مشی شرکت تعاونی مربوط، در اراضی جدید زراعت نمایند. شرکت تعاونی به کشاورزان کمک های مالی و راهنمایی های ترویجی نموده و خود شرکتهای نیز متقابلاً از حمایت دولت برخوردار میشوند.

بموازات تهیه و تحت کشت درآوردن اراضی جدید از لحاظ کمی، اهمیت کیفی شرکتهای تعاونی نیز در مورد عامل زمین شایان توجه است. زیانهای که در کشاورزی از نقطه نظر فرسایش یا بهره برداری یک جانبه از خاک پدید می آید فوق العاده عظیم است.

شواهد بسیاری وجود دارد که فقر زیادی به روستائیان ممالک آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین مستولی شده است، چون روستائیان در موقعیتی نبوده اند که بتوانند از طریق استفاده از روشهای علمی و فنی بازدهی اراضی مزروعی را حفظ نموده و محصولات را از گزند بیماریها و آفات نباتی، مصون بدارند.

شرکتهای تعاونی در ممالک رو به رشد قادرند از این جهت گامهای عمده ای بردارند. بدین سان که به اعضا نحوه استعمال انواع کود، بذراصلاح شده، کشت انواع محصولات و بالاخره بکار بردن ماشین آلات و تجهیزات کشاورزی را آموزش داده و منابع مالی مورد نیاز اعضا را در اختیار آنان قرار دهند.

به لحاظ استفاده از روشهای سنتی و قدیمی کشت که بر رسوم و سنن کهن و مرسوم در محل متکی است، کشاورزان ممالک رو به رشد راساً قادر نیستند و تا حدودی نیز تمایل ندارند که از همه امکانات موجود بهره گیری کنند و ضمن افزایش بازدهی زمین، وضع مالی و اقتصادی خود را نیز بهبود بخشند و همین امر است که مخصوصاً اهمیت قابل ملاحظه شرکتهای تعاونی را آشکار میسازد.

از طریق متشکل نمودن نیروهای مردمی، شرکتهای تعاونی قادرند هر جا آمادگی نسبی در اهالی وجود داشته باشد در جهت بالا بردن سطح تولید گام های مؤثری بردارند و هر جا مقاومت اهالی در برابر روشهای پیشرفته کشت و زرع زیاد باشد، از طریق تحت تاثیر قرار دادن اهالی و خصوصاً وسیله احداث مزارع نمونه، کشاورزان